

## نظر مختصری به دوره امانی و مقایسه آن با دموکراسی موجود!

خبر رفتار خشونت آمیز با هموطنان اهل هند و سکه ما، که شرح آن در نوشته آقای امینی آمده است، و داد و فریاد دولت و حامیان بیرونی آن که یکی از دلایل حضور خویش در افغانستان را استقرار دموکراسی وانمود می کنند، مرا وادار بدان ساخت تا نگاهی مختصری به دوران پادشاهی شاه امان الله خان مرحوم و نظریات نیک و انسانی وی در قبال حقوق و آزادی های مردم، بخصوص در قبال حق و حقوق و آزادی های اقلیت اهل هند کشور بیندازم و این دو دوره را، با آن که از نظر زمانی کم و بیش نود سال با هم تفاوت دارند و قاعدتاً طی این مدت تحولات در کشور ما باید در جهت مثبت واقع می شد، مانند سایر کشورهای جهان، با تأسف می بینیم که تغییرات در هر دوره ای بعد از دوره پیشین در جهت معکوس و بدتر شدن جریان دارد و ما به جای این که به پیش و به سوی بهبودی و حقداری و آزادی و احترام به یک دیگر، صرف نظر از اختلاف رنگ و نژاد و دین و مذهب و قوم و قبیله و زبان و...، روان باشیم، رو به عقب می رویم و سیر قهقرائی را می پیمائیم.

در نوشته، که در سایت افغانستان آزاد - آزاد افغانستان به فلم نویسنده مذکور نشر شده است، آمده است:

"اهل هندو طور سیستماتیک مورد تبعیض و حق تلفی قرار می گیرند... عده ای از دزدان و جنگ سالاران به زور خود مال و خانه اهل هندو را به تاراج برده از آن خود کرده اند. شکایت اهل هندو به مقامات دولت مستعمراتی به جایی نمی رسد، زیرا تاراجگران خود در مسند قدرت تکیه زده اند و به شکایات این مردم اصلاً گوش نمی کنند. متعصبان دینی گاهگاهی به منازل اهل هندو حمله کرده و آنها را اذیت می نمایند. بدتر از این که این عملکرد ضد بشری را مباح می دانند. پس چطور ممکن است که این اقلیت بتواند در صلح و آرامش در افغانستان زندگی نماید و حیات بی تکلیفی را سپری کند. این اقلیت حتی یک نماینده در شورا ندارد که مدافع آنها باشد. روی همین ملحوظ است که هندو های افغانستان دسته دسته این کشور را ترک می گویند..."

اگر تاریخ حرکت خود برای ارزیابی زندگی اهل هندو در افغانستان را از زمان پادشاهی مرحوم امان الله خان مدار اعتبار قرار بدهیم، خواهیم دید که زندگی این هموطنان ما واقعاً با گذشت زمان و در هر دوره ای رو به تیرگی رفته و مشکلات آن ها رو به فزونی گذاشته است؛ به جای این که تقلیل یابد. حتی در زمان طالب چین بر خورد غم انگیزی که در حال حاضر با اهل هندو صورت می گیرد، آنگونه که آقای امینی شرح می دهد، دیده نشده است. طالبان برای تفکیک هندوان از مسلمانان، آنها را برای این که موظفین "امر به معروف و نهی از منکر" بدانند که آن ها هندو هستند و مکلف به انجام مناسک دین اسلام نیستند، آنگونه که خود برای این کار شان دلیل می آورند، تنها نصب تکه زرد را به روی سینه آن ها تجویز کردند، ولی طوری که شنیده شده است، هیچ گاهی طالبان، با همه وحشت و بدوی بودن خویش به پول و مال و دارائی و ناموس آن ها دست نبرده اند - برخلاف افراد و گروه هایی که خود را دموکرات یا مجاهد می نامیدند و با گرفتن قدرت سیاسی در کشور نه از مال سکه ها و هندوان دریغ کردند و نه از دارائی و ناموس آن ها!

در زمان ظاهر خان این اقلیت نسبتاً در راحتی به سر می برد، اما با آن هم من به خاطر ندارم که یک هندو یا یک سکه در دوره های مختلف در کابینه های این نظام اشتراک ورزیده باشد؛ در حالی که در دوران پادشاهی شاه امان الله خان مرحوم حد اقل یک، یا دو وزیر از هموطنان اهل هندو ما در کابینه و در مناصب بالای دولتی وجود داشته است.

آقای امینی نوشته می کند که: "عده ای از دزدان و جنگ سالاران به زور خود مال و خانه اهل هندو را به تاراج برده از آن خود کرده اند." چنین کاری نود سال بعد از آن صورت می گیرد - آنها در حالی که فریاد دولت مبتنی بر وجود دموکراسی و آزادی و حقوق فردی و برابری و حقوق بشر و تأمین امنیت مردم و... در کشور گوش هفت آسمان را کر کرده است - که شاه امان الله خان مرحوم، همان طور که در قانون (نظامنامه) ذکر شده بود، "مسکن و جای هر فرد و تبعه افغانستان از هر گونه تعرض مصئون بود و هیچکس از جانب حکومت و سایر مقامات و افراد بدون احکام نظامات به خانه شخصی جبراً و بلااستیذان داخل شده نمی توانست."

برای این که به برخورد شریفانه و نیک و همسان شاه امان الله خان با همه آحاد ملت بیشتر متوجه شویم، می خواهم تکه ای از نوشته مرحوم غبار، این مؤرخ برجسته و سترگ کشور را، از صفحه 794 کتاب ارزشمند وی، افغانستان در مسیر تاریخ، به عنوان شاهد تقدیم خوانندگان گرامی نمایم:

"دولت از همه بیشتر متوجه تحکیم بنیان وحدت ملی افغانستان گردید. و عاقلانه این وحدت ملی را بر محور برادری و حقوق مساوی مردم افغانستان به گردش انداخت... همه افرادی که در مملکت افغانستان می باشند بلا تفریق دینی و مذهبی تبعه افغانستان گفته می شوند... کافه تبعه افغانستان در امور دینی، مذهبی و نظامات سیاسی دولت پابند بوده و آزادی حقوقی شخصی خود را مالک هستند... حریت شخصیه از هرگونه تعرض و مداخله مصئون است... در مجالس مشوره ولایات قندهار و غزنی و جلال آباد و انجمن معارف کابل، یک یک نفر نمایندگان انتخابی هندو های افغانستان شامل و در امور ادراه سهیم گردیده قید رنگ زرد از دستار و معجز هندو ها با باقیات پول جزیه (طبق فرمان حمل 1299 مساوی می 1920 شاه امان الله خان) مرفوع گردید، و اولاد هندو در مدارس ملکی و نظامی (لیسه های حبیبیه و حربیه) و افسری اردو قبول شد." یا بخش زیر، از فرمان دوازدهم ماه حمل سال 1299، که مانند ستاره درخشانی بر جبین دولت این مرد مدبر و انسان واقعی و پادشاه خوب می درخشد:

"امر است که هیچکس از هندو را مجبور به مسلمانی نکند. و اگر ثابت شد که در حق او شاهدهی ناحق کسی داده بود از شاهد مذکور مبلغ پنجمصد روپیه جرم گرفته سه سال زندانی می شود... هر قسم دستار و دریشی که می پوشند بپوشند... امر است که تماماً مثل حقوق مسلمان ها مال ها و حقوق هندو ها را محاکم سرکاری غمخواری کنند نه تنها در باب مال دزدی بلکه در جمیع دعوی های حقوق شان به عدالت و مساوات تحقیق کرده شود." چنین اقداماتی، نود سال قبل از امروز، از جانب یک انسان مهذب و شریف و ملی که نه از نظر تحصیل با غنی و امثالهم همسری می کرد و نه از نظر دانش، شخصیت اول یا دوم جهان بود، در دورانی که کشور ما در تعصب مذهبی و دینی و خشونت فرو رفته بود، از جانبی کسی که از نظر سن خیلی از اشرف غنی کوچک تر بود، کاری بود خارق العاده و غیرقابل تصور و انتظار.

شمولیت یک یک نماینده انتخابی هندوان در مجالس مشورتی ولایات را در آن روزگار، با امروز افغانستان که حتی یک نفر نماینده این اقلیت در مجلس شورای این کشور جا ندارد (تحمیل نشد)، مقایسه کنید! از کدام بلندی فرو غلتیده ایم؛ به چه خواری؟! ای وای خدای من!!

حریت شخصی و حق مالکیت همه، خواه هندو و خواه مسلمان و گبر و ترسا و یهود، و برابری، همان گونه که گفته شده بود، واقعاً احترام می شد و مصئون بود و دولت نشان داد که خود در تطبیق و رعایت آن مکلف می باشد!

شاه امان الله در عمل نشان داد که به آن چه می گوید باور دارد و بدان پابند است. انتصاب دیوان نرنجداس به صفت وزیر مالیه دولت امانی نشان از اعتقاد راسخ این راد مرد شریف و انسان واقعاً ملی داشت؛ مردی که با برابر قرار دادن همه در عمل در جهت ایجاد وحدت میان هزاره و تاجیک و پشتون و شیعه و سنی و هندو و سکھ و یهود و... در صدر همه حاکمان این کشور، چه پیش از خود و چه بعد از خود، قرار گرفت. صداقت وی به آنچه می گفت، یگانه دلیلی بود که هم اهل هندو در جنوبی، هم برادران شیعه ما در مناطق مرکزی و هم مردم شمال و شمال شرق کشور، مظلوم ترین انسان ها در کشور ما، زمانی که آن مرحوم در اثر توطئه بیگانگان با کمک و سازش دشمنان خاک و مردم و یاری روحانیت ملوٹ و دکاندار مجبور به ترک وطن گردید، نه این که به پشتیبانی وی برخاستند، که تا امروز از وی به عنوان بهترین انسان و بهترین زمامدار کشور یاد می کنند. دیوان نندلال بهسین یکی از افراد دیگری مربوط به این اقلیت بود که به حیث یکی از کارمندان ارشد دفتر شاه مشغول به کار بود.

مقایسه این دو دوره، دوران پادشاهی شاه امان الله خان با دوران کرسی و احمدزی، همچنان با دوران نادرخان و ظاهر خان و داوود خان و خلق - چرچم و مجددی و ربانی و طالب، از جهات عدیده اصلاً قابل قیاس نیست. شاه امان الله نعمتی بود برای خاک و مردم افغانستان که سوکمندانه مردم قدر وی را ندانستند؛ نعمتی که شاید هیچ مادری نتواند مانند آن را در این کشور بزاید؛ حداقل از منظر زمان، و این که دهه اول و دوم قرن بیست، زمان زمامداری وی، از هیچ نگاه با دهه اول و دوم قرن بیست و یک قابل مقایسه نیست!